

استراتژی چرخه دوگانه چین

چین ۲۰۲۵

سخنرانان:

دکتر فریدون وردی‌نژاد (معاون سیاسی دفتر رئیس جمهور)
دکتر ابوالفضل علمائی‌فر (رئیس اداره امور چین وزارت امور خارجه)
دکتر محسن شریعتی‌نیا (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی)

دبیر جلسه:

دکتر علی متوسلی (مدیر کل دفتر خدمات پژوهشی و عضو هیئت علمی موسسه
عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی)

۱۳۹۹/۱۰/۲۲



موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی

مطالب مندرج در این گزارش منحصرآ گفته‌های سخنرانان است و به هیچ‌وجه منعکس‌کننده
نظر موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی نیست.

نشست "استراتژی چرخه دوگانه چین - چین ۲۰۲۵" با سخنرانی آقایان دکتر فریدون وردی‌نژاد (معاون سیاسی دفتر رئیس جمهور)، دکتر ابوالفضل علمائی‌فر (رئیس اداره امور چین وزارت امور خارجه) و دکتر محسن شریعتی‌نیا (عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی) و با حضور جمعی از کارشناسان و علاقه‌مندان در تاریخ ۹۹/۱۰/۲۲ به صورت آنلاین برگزار گردید.

بررسی برنامه توسعه پنج ساله چهاردهم و نقشه راه ۱۵ ساله چین

دکتر فریدون وردی‌نژاد

با مروری بر وضعیت فعلی جمهوری خلق چین می‌توان دریافت که رشد اقتصادی چین در سال ۲۰۱۹ به رقم ۹۹/۱ تریلیون یوان (معادل ۱۴/۸ تریلیون دلار) رسید. این رقم دربرگیرنده ۱۶ درصد از کل اقتصاد جهانی و ۳۰ درصد از رشد اقتصادی جهان می‌باشد. درآمد سرانه این کشور در این سال به ۱۰ هزار دلار رسیده است.

از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹ بیش از ۶۰ میلیون شغل جدید در مناطق شهری این کشور ایجاد شده است. در این میان نرخ جمعیتی اقبال با درآمد متوسط در این کشور در حال گسترش است. ذخایر ارزی چین همچنان بالاتر از رقم ۳ تریلیون دلار باقی مانده است.

چین دارای رتبه اول جهانی در زمینه اتوبان‌های احداثی است که رقم آن به ۱۴ هزار کیلومتر می‌رسد. این کشور در فناوری اطلاعات، به‌ویژه 5G و نیز اخیراً 6G و نیز هوش مصنوعی دست یافته است.

چین طی چند سال اخیر، در خروجی ارزش افزوده بخش تولید، مقام اول جهان را کسب نمود. ارزش افزوده بخش خدمات نیز به ۵۳/۹ درصد از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۱۹ رسید. شبکه قطار پرسرعت چین نیز تا پایان سال ۲۰۱۹ به ۳۵ هزار کیلومتر رسید.

دستیابی به رقمی بالاتر از ۴۰ تریلیون یوان (۵/۹۸ تریلیون دلار) در خرده فروشی کالاهای مصرفی، دستیابی به رتبه ۱۴ جهانی در شاخص نوآوری، رسیدن به رتبه دوم جهانی در سرمایه‌گذاری در تحقیق و توسعه، ارتقاء نرخ جمعیت شهری به کل جمعیت به سطح ۶۰/۶ درصد، کاهش ۱۳/۲ درصدی مصرف انرژی بین سال‌های ۲۰۱۵ تا ۲۰۱۹، ارتقای سهم کیفیت هوای خوب در ۳۳۷ شهر به ۸۲ درصد و افزایش مناطق تجاری ویژه (پایلوت) به ۲۱ منطقه از مهمترین پیشرفت‌های این کشور در سال‌های اخیر است.

برنامه ملی توسعه اقتصادی و اجتماعی

پنجمین نشست عمومی نوزدهمین کمیته مرکزی حزب کمونیست چین در ۸ آبان ماه ۱۳۹۹ به پایان رسید. در این نشست پیشنهادی‌های مربوط به چهاردهمین برنامه ملی توسعه اقتصادی و اجتماعی پنج ساله چین (۲۰۲۱ - ۲۰۲۵) و اهداف مورد نظر در نقشه راه چین تا سال ۲۰۳۵ به تصویب رسید. بر اساس این راهبرد، برنامه نوسازی اقتصاد چین به پایان خواهد رسید و پکن الگوی جدیدی از توسعه ارائه خواهد داد که بر اساس آن، بازارهای داخلی و خارجی به تقویت یکدیگر پرداخته و در آن بازار داخلی به عنوان تکیه‌گاه اصلی اقتصاد در نظر گرفته می‌شود.

ویژگی‌های مهم برنامه ۵ ساله چین عبارت است از: دستیابی به زندگی باکیفیت برای مردم، نقش برجسته نوآوری و فناوری در آن و تبدیل چین به رهبر نوآوری در دنیا، به‌روزرسانی پایگاه‌های صنعتی، ساخت نظام اقتصاد بازار سوسیالیستی با استاندارد

بالا، اصلاح نظام حاکم بر حقوق مالکیت‌ها، بازار محور کردن عوامل تولید، بهبود قابل توجه در ابعاد معنوی و اخلاقی و کیفیت اوضاع فرهنگی و علمی و نیز سلامت جسمی و روانی مردم، افزایش نفوذ فرهنگ چینی، تقویت انسجام ملی، کاهش آلاینده‌ها و بهبود وضعیت محیط زیست، بهبود در محیط زیست شهری و روستایی، نوسازی صنعت کشاورزی، ارتقاء کیفیت اشتغال، رشد درآمدهای شخصی همگام با رشد اقتصادی، تقویت نظام تامین اجتماعی و نظام بهداشت، تقویت قابل توجه کارایی و اعتبار نظام اداری و سرانجام ارتقای سطح حکمرانی اجتماعی.

در راستای خنثی نمودن مخاطرات ناشی از تغییرات خارجی، چین نیازمند تمرکز بر امورات خود و بهبود کیفیت توسعه می‌باشد. رئیس جمهوری این کشور بر تمرکز تلاش‌ها برای متعهد بودن به فلسفه توسعه جدید، اصلاحات ساختاری بخش عرضه و تغییر شکل مدل توسعه کیفی تاکید دارد. در مدل توسعه جدید، بازارهای داخلی و خارجی به صورت توأمان به تقویت یکدیگر پرداخته و بازار داخلی به عنوان تکیه‌گاه اصلی برای ارتقای سطح توسعه اقتصادی چین در نظر گرفته می‌شود و در کنار آن، مزایای جدیدی در همکاری و رقابت جهانی اقتصاد ایجاد خواهد شد.

طی سال‌های اخیر در کنار تغییرات ایجاد شده در محیط جهانی سیاست و اقتصاد، افزایش تقابل با جهانی شدن و افزایش یکجانبه‌گرایی امریکا، رهبران چین در راستای تحقق اهداف رشد کشور بر تلاش در راستای ریشه دواندن توسعه به داخل چین و اتکاء بیشتر بر این بازار تاکید داشته‌اند. رهبریت حزب کمونیست چین بر نظام عرضه رقابتی‌تر با تقاضای داخلی تاکید دارد که در الگوی جدید به شکل یک گردش دوگانه شامل بازارهای داخلی و خارجی برقرار خواهد بود. تقویت گردش بازار داخلی در مقیاس بزرگ و روان، به جذب بهتر منابع جهانی، برآورده کردن نیازهای داخلی، ارتقاء توسعه صنعتی و فناوری، و ترویج مزایای جدید در همکاری و رقابت جهانی اقتصاد کمک خواهد کرد.

براساس برنامه پنج ساله توسعه مقرر است که چین به کشوری با درآمد بالا تبدیل شود و درآمد سرانه چین به دو برابر برسد. در این مسیر عوامل نامشخصی از قبیل بیماری کووید ۱۹ نیز به عنوان مانعی در این مسیر مورد نظر واقع شده‌اند. جهت دستیابی به سعادت عمومی بایستی توازنی بین نیازها و امکان‌پذیری آنها وجود داشته باشد. آقای شی در این زمینه بر تضمین توسعه در کنار امنیت و ایجاد مفهوم نظام‌مند در توسعه، در برنامه ۵ ساله چهاردهم تاکید دارد. شیائوکانگ - در لغت به معنای جامعه نسبتاً سعادتمند - به عنوان تعهد محکم حزب به مردم در راستای ارتقای سطح زندگی برای بیش از یک میلیارد نفر از جمعیت این کشور، تا یکصدمین سال تاسیس حزب کمونیست چین می‌باشد. انتظار چین این است که استانداردهای زندگی مردم به صورت قابل توجهی بهبود یابد، تمامی جمعیت‌های فقیر روستایی از خط فقر خارج شوند، اهداف توسعه‌ای که در سیزدهمین برنامه پنج ساله توسعه منظور شده حاصل گردد و اهداف مربوط به ساخت جامعه نسبتاً سعادتمند به منصفه ظهور برسد.

براساس بیانیه مطبوعاتی صادره توسط حزب، چین متعهد به حفظ و حراست از سعادت و ثبات پایدار در هنگ‌کنگ و ماکائو و نیز پیشبرد توسعه صلح‌آمیز در تنگه تایوان و اتحاد مجدد ملی است. به علاوه، چین تلاش خواهد کرد تا با همکاری بین‌المللی یک محیط خارجی مساعد را ایجاد نموده و به ساخت نوع جدیدی از روابط جهانی، با آینده مشترک برای بشریت خواهد پرداخت. سیاست درهای باز به مرحله جدیدی خواهد رسید و بر این اساس، تقویت مشارکت کشور در همکاری و رقابت بین‌المللی دنبال خواهد شد.

براساس نقشه راه مصوب نشست‌های پنج روزه جلسه پنجم نوزدهمین کمیته مرکزی حزب در اواخر اکتبر ۲۰۲۰ رشد چین از طریق نوآوری، بازار داخلی قوی، احیای روستایی و توسعه سبز به دست خواهد آمد. افزایش قابل توجه بنیه اقتصادی و فناوری چین و نیز بنیه ترکیبی ملی، صنعتی شدن جدید، بکارگیری فناوری اطلاعات و نوسازی کشاورزی از اهداف نقشه راه ۲۰۳۵

است و در سال ۲۰۳۵ چین ساخت اقتصاد مدرن خود را به پایان خواهد رساند. طبق این نقشه راه در سال ۲۰۳۵ حق مردم برای مشارکت و توسعه به عنوان دو موضوع برابر به اندازه کافی پشتیبانی خواهد شد. حاکمیت قانون، دولت و جامعه به صورت اصولی در جای خود قرار خواهند گرفت. چین به یک کشور قوی در زمینه فرهنگ، آموزش، استعداد و ورزش و بهداشت تبدیل خواهد شد. همچنین قدرت نرم فرهنگی چین رشد بهتری خواهد داشت.

در این سال، درآمد سرانه به سطح کشورهای نسبتاً توسعه یافته خواهد رسید. دسترسی برابر به خدمات عمومی پایه تضمین خواهد شد. نابرابری‌ها در توسعه شهری- روستایی به صورت قابل توجهی کاهش پیدا خواهد کرد. ابتکار چین صلح طلب در سطح بالاتری ترویج و نوسازی دفاع ملی و بخش نظامی حاصل خواهد شد و در نهایت زندگی مردم شرایط بهتری خواهد داشت.

نتیجه مصوبات کمیته پنجم نشست نوزدهم را می‌توان در دو موضوع خلاصه کرد:

۱- با توجه به کلیات ارائه شده از سوی حزب در خصوص برنامه ۵ ساله و بویژه نقشه راه ۱۵ ساله، می‌توان به این نتیجه رسید که سیاست‌های چین برای رشد اقتصادی و افزایش رفاه مردم این کشور همچنان ادامه پیدا خواهد کرد. ۲- توجه اصلی به بازار داخلی است، این بدان معنی است که در سیاست خارجی این کشور طی دوره مذکور همچنان، اجتناب از درگیری و دستیابی به اهداف اقتصادی از طریق راهکارهای مسالمت‌آمیز، محور خواهد بود.

مطرح کردن این که چین، ساخت اقتصاد مدرن خود را تا سال ۲۰۳۵ به پایان خواهد رساند، می‌تواند حاکی از آن باشد که از سال ۲۰۳۵ به بعد، ابعاد جدیدی برای سیاست خارجی چین قابل تصور است. در این میان باید در نظر داشت که چین طی سال‌های متمادی گذشته در کنار پیگیری سیاست‌های خرد (low politics) پیگیر سیاست‌های کلان (high politics) نیز بوده است و بر این اساس، بودجه نظامی این کشور به رقمی حدود ۲۰۰ میلیارد دلار رسیده است.

بنابر آنچه گفته شد این طور جمع‌بندی می‌شود که برنامه توسعه چین به طور کلی ویژگی‌های زیر را دارد:

مردم محور بودن برنامه، رعایت دموکراسی سوسیالیستی چینی در تدوین آن، توجه به تمدن سوسیالیستی در برنامه، توسعه صلح آمیز، سازگاری با محیط زیست و توسعه پایدار، همکاری برد - برد با سایر کشورها، چند جانبه گرایی، حمایت از سازمان جهانی تجارت و سازمان جهانی بهداشت، نوآوری و زندگی با کیفیت برای مردم، تعهد به اقتصاد باز با تمرکز بر روی بازار داخلی.

چرخه دوگانه، استراتژی تثبیت حضور در قامت قدرت جهانی در دوران پسا کرونا

دکتر ابوالفضل علمائی فر

برای فهم بهتر موضوع چرخه دوگانه بهتر است، نگاهی اجمالی به تحولات چین به خصوص در سال‌های بعد از اصلاحات و اتخاذ سیاست درهای باز بیندازیم و پس از آن می‌توان دریافت که چرخه دوگانه به نوعی ادامه منطقی تحولات گذشته چین است.

از زمان پیروزی حزب کمونیست و استقرار آن در خاک اصلی چین، ابتدا آنچه از منظر اقتصادی مد نظر قرار گرفت، پیروی از مدل استالینی بود که پیش از آن در روسیه به آزمون گذاشته شده بود. اتخاذ این مدل اقتصادی به ایجاد یک ارتش اقتصادی گوش به فرمان مرکز منجر شد و نتیجه آن نیز چیزی جز ناکامی در عرصه اقتصادی نبود. حرکت‌هایی مانند "گام بزرگ به پیش" و "انقلاب فرهنگی" ضایعات بسیار زیادی را به چین وارد کرد تا جایی که در آن زمان ۸۰ درصد مردم چین زیر خط فقر قرار گرفتند و درآمد آنها حتی ۳۰ درصد کمتر از مردمی بود که زیر صحرای آفریقا در فقر کامل زندگی می‌کردند.

از زمان آغاز اصلاحات و سیاست دنگی در سال ۱۹۷۸ چینی‌ها توانستند با بهره‌گیری از مزایای جهانی شدن و تکیه بر مزیت‌های اقتصادی، بزرگترین معجزه تاریخ بشر را به لحاظ وسعت و جمعیت و سرعت رقم بزنند. نمود این پیشرفت نیز در سال ۲۰۰۸ با برگزاری موفق المپیک در چین به دنیا نشان داده شد. آنها حتی در مواجهه با بحران اقتصاد جهانی در سال ۲۰۰۸ توانستند این تهدید را به فرصت تبدیل کنند و نقاط کم توسعه‌یافته داخل قلمرو چین را با رویکرد نگاه به داخل احیا کنند. به این ترتیب آنها با تقویت بنیان‌های داخلی به ایجاد توازن به ویژه در حوزه اقتصاد و مدرن سازی در سطح کشور کمک کردند. در ادامه در سال‌های ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۲ چین علاوه بر غلبه بر بحران جهانی اقتصاد توانست تا حد قابل توجهی به بهبود اقتصاد جهانی کمک کرده و با این کار یک اعتماد و اطمینان را در سطح داخلی و بین‌المللی نسبت به خود ایجاد نماید.

از سال ۲۰۱۲ و با قدرتی‌گیری نخبگان نسل پنجم، در واقع چین شروع به عرض اندام در سطح بین‌المللی نمود. ورود نخبگان نسل پنجم یک نقطه عطف سیاسی، فرهنگی و اقتصادی در چین به حساب می‌آید. یکی از نخستین کارهایی که این نخبگان انجام دادند مبارزه با فساد به منظور زمینه‌سازی برای اصلاحات مورد نظر بود. در آن زمان چین با چالش‌هایی جدی مانند آلودگی شدید محیط زیست، افزایش مازاد تولید در حوزه‌های صنایع سنتی، کمبود کارگر ارزان قیمت مواجه بود. آنها برای گذر از تله طبقه متوسط و دستیابی به سطح درآمد سرانه بالاتر (در سطح کشورهای توسعه‌یافته) سیاست نیونرمال را در پیش گرفتند که هدف از آن حرکت از سیاست رشد اقتصادی بالا به یک رشد اقتصادی با سرعت متوسط ولی با ثبات بیشتر، بهینه‌سازی و بهبود ساختار اقتصادی، انتقال از یک اقتصاد سرمایه‌محور به سمت اقتصاد مبتنی بر نوآوری و خلاقیت، گذر از مرحله "اقتصاد صنعتی" به مرحله "اقتصاد فراصنعتی" و در نهایت بالا بردن توان هم‌اوردی با پیشرفته‌ترین اقتصادهای جهان، عنوان گردید.

ظهور پاندمی کرونا مانند یک کاتالیزور در فرآیندهای بین‌المللی تسریع ایجاد کرد و چینی‌ها با درک درست رویدادها به سرعت خود را با شرایط جدید منطبق کردند و به این ترتیب ایده چرخه دوگانه در امتداد سیاست‌های قبلی شکل گرفت. چرخه دوگانه شامل دو بعد داخلی و خارجی است که در آن چرخه داخلی به فعالیت‌های داخلی اقتصاد اشاره دارد و چرخه خارجی به ارتباطات اقتصادی چین به جهان خارج مربوط می‌شود.

حرکت به سمت تحقق رویای چینی که توسط نخبگان نسل پنجم مطرح شده بود طی سال‌های ۲۰۱۰ تا ۲۰۲۰ منجر به افزایش دو برابری سرانه رشد ناخالص داخلی چین شد. همچنین در این مدت ۱۲۱ شرکت چینی در فهرست ۵۰۰ شرکت برتر جهان قرار گرفتند و چین به نخستین صادرکننده جهان با ۲ تریلیون و ۴۹۹ میلیارد دلار صادرات تبدیل شد و آمریکا در مقام دوم با ۱ تریلیون و ۶۴۵ میلیارد دلار در رتبه پایین تر قرار گرفت. بنابراین تلاش برای فرار از تله متوسط و دستیابی به جامعه نسبتاً مرفه تا حدود زیادی محقق شد و موازنه اقتصاد جهانی طی این سال‌ها به نفع چین تغییر کرد.

در سطح منطقه‌ای نیز چینی‌ها تلاش کردند یک همگون سازی با تحولات داخلی چین انجام دهند. از این رو کلان استراتژی کمربند راه، ایجاد توازن بین شرق و غرب کشور را مد نظر قرار داشت و به تحکیم قدرت بری و تقویت حضور بحری توجه ویژه نمودند. آنها همچنان تلاش کردند با تکیه بر مقبولیت برای ادامه حاکمیت حزب کمونیست مشروعیت کسب نمایند، امنیت داخلی خود را تحکیم بخشند و با تدابیر ژئوپلیتیکی و تقسیم کار بین‌المللی و مشارکت کشورهای منطقه در طرح کمربند راه سعی در همگون سازی رشد اقتصادی و دستیابی به بازارهای جهانی نمایند. در این راستا بایسته است به پیش‌بینی‌ها انجام شده مبتنی بر اینکه آسیا به مرکز ثقل اقتصاد جهانی مبدل خواهد شد اشاره کرد. چرا که بر اساس برآوردهای انجام شده سهم شرق آسیا در اقتصاد جهانی از ۲۹/۴ درصد در سال ۲۰۱۹ به ۳۳/۴ درصد در سال ۲۰۲۵ افزایش و سهم آمریکا طی همین دوره از ۲۴/۵ درصد در سال ۲۰۱۹ به ۱۷/۹ درصد در سال ۲۰۲۵ کاهش خواهد یافت.

نکته دیگری که باید به آن توجه نمود آنکه شرایط کرونایی تاثیر به سزایی در پیش‌بینی‌های چهاردهمین برنامه پنج ساله و برنامه چین ۲۰۳۵ گذاشته است. در پیش‌بینی‌های تازه تداوم رشد اقتصادی چین بین سال‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۵ با نرخ سالانه ۵/۷ و بین سال‌های ۲۰۲۶ تا ۲۰۳۰ با نرخ ۳/۹ درصد خواهد بود. در حالی که آمریکا در صورت احیا شدن اقتصاد در سال ۲۰۲۱ از نرخ رشد ۱/۹ و پس از آن از نرخ ۱/۶ درصدی برخوردار خواهد شد. بنابراین پیش‌بینی رسیدن چین به مقام اول اقتصاد جهانی از سال ۲۰۳۵ به ۲۰۲۸ جابجا شد و برآوردها حکایت از آن دارد که چین با نرخ رشد ۳/۵ درصد بیشتر از نرخ رشد تولید ناخالص داخلی آمریکا در ظرف ۱۰ سال و با نرخ رشد ۲/۳ درصد بیشتر از آمریکا، در مدت ۱۵ سال می‌تواند از آمریکا پیشی بگیرد.

شایان ذکر است رقابت آمریکا و چین یک واقعیت مسلم است که در سال‌های آتی شدت بیشتری خواهد گرفت و واقع امر آن است که در دهه‌ها آینده سناریوی اصلی در عرصه نظام بین‌الملل را رقابت این دو قدرت رقم خواهد زد. بنابراین طبیعی است که چینی‌ها برای عقب نماندن از رقیب به استراتژی چرخه دوگانه روی آورند. برای تحقق این امر آنها اقدام به تحریک مصرف داخلی، افزایش نقش آن در رشد اقتصادی (در حال حاضر ۵۵ درصد از رشد ناخالص داخلی کشور بر عهده بخش داخلی است)، افزایش درآمد سرانه و امنیت بخشی جهت هزینه آن (سرانه تولید ناخالص داخلی چین در سال ۲۰۱۹ از مرز ۱۰ هزار دلار عبور کرد)، خواهند کرد.

به علاوه آنها با مناسب سازی ساختار اقتصادی، کاستن از کمیت و افزودن بر کیفیت رشد اقتصادی، تمرکز بر نوآوری و اقتصاد دیجیتال (نظیر فناوری ۵جی)، سرمایه‌گذاری در انرژی‌های پاک و فناوری برتر، حفظ نیروی کار جوان و ارزان به مثابه موتور رشد اقتصادی، توزیع منصفانه ثروت و در نهایت استحکام ثبات سیاسی، استراتژی چرخه دوگانه را در عرصه داخلی پشتیبانی خواهند کرد. در عرصه خارجی نیز با ایجاد پیرامون اقتصادی و ارتقاء در منحنی لیبخند (کمربند راه) و اجرایی شدن RCEP در ماه نوامبر ۲۰۲۰ که یک سوم از تجارت خارجی چین با کشورهای آسیایی را به خود اختصاص خواهد داد، برای تحقق چرخه خارجی تلاش خواهند کرد.

چرخه دوگانه: ضرورت مرحله نوین توسعه چین؟

دکتر محسن شریعتی‌نیا

چرخه دوگانه نه یک انتخاب بلکه یک ضرورت است که از سوی محیط بین‌المللی به چین تحمیل شده است. چین پیچیده‌ترین و مادی‌ترین تمدن بشری است و اولین دولت تاریخ را نیز چینی‌ها بنیاد گذاشته‌اند. مردم چین تا پیش از انقلاب صنعتی همواره یک ملت صنعتگر بوده‌اند و پیش از غرب می‌توانستند به تجدد برسند. اما در اثر یک اشتباه که درهای جهان را به روی خودشان بستند اسیر زوال شدند. بنابراین چرخه دوگانه با تفسیر بسته شدن درهای چین به روی دنیا می‌تواند یک برداشت نادرست باشد. توسعه در چین یک موضوع امروزی نیست. آنها در قرن بیستم با الهام از مدل ژاپنی و آلمانی بحث توسعه را دنبال کردند و سپس با اجرایی کردن مدل شوروی در سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۶ سیاست جایگزینی واردات را آزمودند که نتیجه مطلوبی در پی نداشت. بنابراین اینکه چرخه دوگانه به معنی انتخاب جایگزینی واردات باشد نیز نادرست به نظر می‌رسد. در مرحله سوم چینی‌ها به اصلاحات و سیاست درهای باز روی آوردند و این کار را با مدل تدریجی‌گرایی و نه شوک درمانی انجام دادند. چرخه دوگانه در قالب این تدریجی‌گرایی و بازنگری اصلاحات و سیاست درهای باز قابل فهم است.

حال باید دید که چرا این اصلاح ضرورت دارد. از منظر روابط بین‌الملل مهمترین دلیلی که چرخه دوگانه را وارد ادبیات سیاسی و اقتصادی چین کرده است، دگرگونی در محیط مساعد بین‌المللی است. محیط بین‌المللی بعد از ۱۹۷۶ همواره به روی چین باز بوده و پارادایم اصلی آمریکا درگیر کردن و اتصال چین به نظم جهانی بوده است. چین همواره از این موضوع با عنوان فرصت راهبردی یاد کرده است. امروزه به نظر می‌رسد که این فرصت رو به پایان است و آمریکا نمی‌خواهد به راحتی و بدون هزینه این فرصت را در اختیار چین قرار دهد. بنابراین شاهد یک تغییر پارادایم در سیاست چینی آمریکا هستیم. آمریکایی‌ها ابتدا پارادایم مهار را در مواجهه با چین در پیش گرفتند که آن را در جنگ‌های کره و ویتنام نیز می‌توان دید. پس از آن آمریکا با پارادایم تعامل و مشارکت تلاش کرد که چین را به جهان لیبرال دموکرات ملحق کند. اما هرچه چین قوی‌تر شد متمرکزتر شد و حزب کمونیست اهرم‌های بیشتری را در جامعه در اختیار گرفت و تقریباً از ده سال پیش آمریکایی‌ها متوجه شکست این سیاست شدند و زمینه برای تغییر پارادایمی فراهم شد. آمریکایی که از پیوستن چین به جامعه جهانی حمایت می‌کرد به تدریج نه تنها جنگ تجاری با چین را شروع کرد بلکه یک نظام تحریمی را بر ضد چین به راه انداخت که در آن شرکت‌های چینی مشروعیت‌زدایی و امنیتی می‌شوند.

در دیگر بخش‌های بین‌المللی نیز اوضاع دگرگون شده است. اروپا نیز چین را رقیب سیستمیک می‌داند. ژاپن شرکت‌هایش را تشویق به خروج می‌کند و هند نیز آشکارا در برابر چین ایستاده است. در امنیت انرژی چین با چالش‌های جدی به خصوص در خطوط انتقال دریایی مواجه است. همچنین اروپایی‌ها در قطع زنجیره‌های ارزش منطقه‌ای و جهانی با آمریکایی‌ها همراه شدند. در تعداد فزاینده‌ای از کشورهای اروپایی کمیسیون امنیت ملی برای بررسی سرمایه‌گذاری‌های چین در اروپا توسط متخصصین اطلاعاتی و امنیتی تشکیل شد و اگر ضد امنیت ملی تشخیص داده نشد مجوز سرمایه‌گذاری صادر گردید. بنابراین دسترسی چینی‌ها به فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری به تدریج دچار اختلال شده است و این ضرورت اصلی گرایش به سیاست چرخه دوگانه است که حتی تا ۴ سال قبل رهبران چین آن را اشتباه می‌دانستند.

البته این تنها استراتژی چین نیست و چین تلاش دارد در ابعادی دیگر نیز با این دگرگونی در محیط بین‌المللی روبرو شود. برای این کار، چین مقابله با جهانی شدن گزینشی را در دستور کار قرار داده است. بعلاوه، چین مشارکت در نظم بین‌الملل لیبرال را رها نکرده است و در حفظ بنیان‌های اقتصادی و تضعیف بنیان‌های سیاسی آن تلاش می‌کند. چین با وجود حمایت از سازمان‌های بین‌المللی و تلاش برای نفوذ در آنها به نظم سازی موازی مانند ایجاد بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت و راه‌اندازی پروژه ابریشم نیز می‌پردازد. در عین حال این کشور به موقعیت آمریکا بدون کوشش برای جایگزینی خود به جای آن، ضربه می‌زند و برای کاهش ضربه‌پذیری خود در محیط دگرگون شونده جهان تلاش می‌کند. در این بین همچنان سیاست درهای باز ادامه دارد و از سرمایه‌گذاری خارجی استقبال می‌کند. موافقت‌نامه‌های تجارت آزاد چین محور را توسعه می‌دهد. طرح کلان ابریشم را پیش می‌برد و در نهایت با استراتژی مهار فناوریانه ایالات متحده مقابله می‌نماید.

بر اساس آنچه گفته شد می‌توان این طور جمع‌بندی کرد که چرخه دوگانه به معنای احیای استراتژی جایگزینی واردات نیست و بنا به ضرورت‌های تحمیلی محیط بین‌المللی طراحی شده است و در نتیجه به موازات تغییر در محیط بین‌المللی این استراتژی کلان هم احتمالاً تغییر خواهد کرد.

باید در نظر داشت که با وجود آنکه چین در عرصه داخلی مانند مهار کرونا بسیار قدرتمند عمل می‌کند اما پیشبرد استراتژی چرخه دوگانه تدریجی خواهد بود و آن‌ها به آسانی و به یکباره نمی‌توانند مسیرهای توسعه را تغییر دهند. همچنین از آنجا که چین بزرگترین برنده جهانی شدن است، همچنان مشتاق برد است و تلاش می‌کند همچنان سیاست‌های موفق گذشته را دنبال کرده و گسترش دهد.